

Religion in Everyday Life of Iranian People: From the Constitutional Revolution until Now

Fariba Seddighi^{1*}

1. Ph.D. in Anthropology, University of Tehran, Tehran, Iran & Lecturer, Department of Social Science, Yazd University, Yazd, Iran (Corresponding Author); Fariba.Seddighi@ut.ac.ir

Original Article

Abstract

Background and Aim: Religion has played an important role in people's daily life and culture. Religion teaches the way of life to its followers, and the followers define their identity and group boundaries from other groups by following its instructions. This paper aims to examine the significance and role of religious values in the everyday life of Iranians since the constitutional revolution in Iran.

Methods and Data: This research adopts a cultural history approach to explore the influence of religion on people's daily practices and behaviors. It relies on primary sources such as travelogues, logbooks, diaries, and historical documents from the constitutional revolution to the present day.

Findings: The results indicate that religion was a prominent aspect of people's daily life during the Qajar and Pahlavi eras. Religious teachings affected various domains of life such as clothing, food, drink, and health. However, since the 1980s, the role of religion in some areas of people's everyday life has declined.

Discussion and Conclusion: The society has witnessed a decrease in the adherence to some religious rules and beliefs among people, especially the youth. Nevertheless, the religious foundations of the society remain strong and influential. Religious values and symbols are still respected by most people, who participate in Muharram mourning ceremonies, religious festivals, and pilgrimages to holy shrines.

Keywords: Religion, Religious beliefs, Everyday life, Cultural history, Constitutional revolution

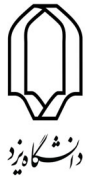
Key Message: Religious faith and reverence for sacred things and values remain widespread among Iranians, despite the decline of religion in some aspects of their lifestyle in recent decades. Many people participate in Muharram mourning ceremonies, religious festivals, and pilgrimages to holy shrines. Religion plays a vital role in society by fostering social cohesion among different groups and individuals. Therefore, it is important to uphold common religious values in the society.

Received: 16 July 2022

Accepted: 30 October 2022

Citation: Seddighi, F. (2023). Religion in Everyday Life of Iranian People: From the Constitutional Revolution until Now. *Journal of Social Continuity and Change*, 2(1): 69-79. <https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18735.1038>





دین در زندگی روزمره ایرانیان: از مشروطه تا دوران حاضر

فریبا صدیقی^{*۱}

۱- دانش‌آموخته دکتری انسان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران و مدرس مدعو دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)؛

Fariba.seddighi@ut.ac.ir

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: دین نقش مهمی در زندگی روزمره و فرهنگ مردم داشته است. به عبارت دیگر، دین راه و شیوه زندگی را به پیروانش می‌آموزد و پیروان با رعایت دستورالعمل‌های آن مرزهای هویتی و گروهی خود را از دیگر گروه‌ها مشخص می‌سازند. مقاله حاضر، با هدف بررسی اهمیت و نقش ارزش‌های دینی در زندگی روزمره و سبک زندگی ایرانیان از زمان انقلاب مشروطه تاکنون نگاشته شده است.

روش و داده‌ها: در پژوهش حاضر برای بررسی نقش دین در زندگی روزمره مردم، رویکرد تاریخ فرهنگی به کار گرفته شده است. براساس این رویکرد، به مطالعه سفرنامه‌ها، خاطرات افراد و مدارک به جامانده از زمان مشروطه تا دوران حاضر پرداخته شد.

یافته‌ها: در مقاطعی از سلسله‌های قاجار و پهلوی، با وجود اعمال سیاست‌هایی از بالا، دین همواره در زیست-جهان مردم در حوزه‌های پوشش، تغذیه، باور به نذر و شفای بیماران نقش داشته است. در دهه‌های اخیر، حضور دین در برخی از عرصه‌های زیست-جهان مردم کمرنگ‌تر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری: جامعه با عرفی شدن زندگی روزمره و کاهش نقش برخی از احکام و اعتقادات دینی در سبک زندگی مردم و به ویژه جوانان مواجه گردیده است. با این وجود، بن‌مایه‌های دینی جامعه همچنان نفوذ نیرومندی در میان مردم دارند. به گونه‌ای که شخصیت‌های مذهبی (ائمه اطهار) همچنان برای مردم ارزشمند هستند و مقدسات مورد احترام مردم هستند.

واژگان کلیدی: دین، اعتقادات دینی، زندگی روزمره، رویکرد تاریخ فرهنگی، مشروطه تا دوران حاضر

پیام اصلی: گرچه نشانه‌هایی از عرفی شدن در میان مردم مشاهده می‌شود اما همچنان دین باوری و احترام به مقدسات و ارزش‌های دینی در میان ایرانیان از نقش و اهمیت بالایی برخوردار است. حضور گسترده مردم در مراسم عزاداری ماه محرم، پیاده‌روی اربعین، جشن‌های مذهبی، تمایل به زیارت بقاع متبرکه نشانه‌هایی از اهمیت احترام به دین در زندگی روزمره و حیات مردم است. دین با تقویت انسجام اجتماعی در میان گروه‌ها و افراد مختلف، نقشی حیاتی در جامعه ایفا می‌کند و حفظ ارزش‌های دینی مشترک در جامعه حائز اهمیت است.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

ارجاع: صدیقی، فریبا (۱۴۰۲). دین در زندگی روزمره ایرانیان: از مشروطه تا دوران حاضر، *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۱): ۷۹-۶۹
<https://doi.org/10.22034/jscc.2022.18735.1038>



مقدمه و بیان مسأله

از نگاه کلیفورد گیرتز انسان‌شناس، دین نظامی از نمادهاست که به کردار انسان‌ها و رویدادها معنا می‌بخشد و پشتوانه‌ی اساسی اندیشه‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی جامعه است (عربستانی، ۱۳۷۹). دین در زندگی روزمره، خود را در دین‌ورزی افراد نشان می‌دهد. منظور از دین‌ورزی ابراز و اعمال دین در واقعیت و تبلور آن در باورها و اعمال دین‌داران است (عربستانی، ۱۳۸۷: ۳). هر دین با توجه دستورالعمل‌هایی که به پیروان خود می‌دهد سبب ایجاد مرزهایی بین گروه پیروان خود از دیگر گروه‌ها می‌شود. این مرزها لزوماً فیزیکی نیستند بلکه می‌توانند مفهومی باشند و در افکار و نظرات، مناسک و نظام‌های اعتقادی خود را نشان می‌دهند. به‌عنوان مثال، دستوراتی که هر دینی در مورد دستورات تغذیه، پوشش و ... ارائه می‌دهد مرزهایی برای بدن فیزیکی افراد ایجاد می‌کند. در این مورد، داگلاس معتقد است بدن فیزیکی به‌عنوان نمادی از هویت گروه عمل می‌کند به‌عبارتی مرزهای بدن استعاره‌ای از مرزهای گروه است (بوی، ۱۳۹۴: ۸۸).

به باور انسان‌شناسان از جمله مایکل فیشر و هنری مانسن، اسلام چنین نقشی را برای پیروان خود ایفا می‌کند. در واقع، اسلام آیینی است که به مردم می‌گوید چگونه رفتار کنند، جهان‌بینی‌ای است که برای تمام مشکلات انسانی پاسخی دارد، برای مردم ایجاد معنی می‌کند، زبانی با گویش‌های مختلف است (Munson & Fischer, 1988). با توجه به اهمیت دین در زندگی روزمره مردم و بر ساخت هویت، مقاله حاضر تلاش دارد به نقش اسلام بر فرهنگ عامه ایرانیان در زمینه حوزه‌های اجرای مناسک (فرائض دینی واجب و مستحب)، اعتقادات در زمینه خوراک، پوشاک و درمان به‌عنوان نمادهای دین در زندگی روزمره در سه دوران مشروطه، پهلوی و جمهوری اسلامی بپردازد. به‌عبارتی سؤال اصلی مقاله حاضر این است که جایگاه دین در فرهنگ عامه ایرانیان چیست؟ در این راستا، مقاله حاضر در رویکرد تاریخ فرهنگی و با جستجو در مطالعات تاریخی بدین سوال پاسخ می‌دهد.

روش تحقیق

در رویکرد تاریخ فرهنگی، رسالت اصلی مورخ فرهنگی، کشف الگوهای فرهنگی به واسطه مطالعه مضامین، نمادها، تمایلات و قالب‌های به کارگرفته شده در آثار ادبی، هنری هر عصری است (برک، ۱۳۹۰: ۸). پیشنهاد استفاده از تاریخ فرهنگی در مطالعات علوم اجتماعی به کتاب «اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری» ماکس وبر، «فرآیند متمدن شدن» نوربرت الیاس و «تمدن و ناخرسندی‌های آن» به زیگموند فروید باز می‌گردد. هر سه اثر به دنبال بررسی و شناخت رابطه میان فرهنگ و نوعی از رفتار بشر بودند (سایت انسان‌شناسی و فرهنگ، ۱۴۰۱). بررسی رفتارها مثل رفتارهای مذهبی، تاریخ مسافرت، تاریخ خواندن و... از عمومی‌ترین وجوه تاریخ عملکردهاست. بر مبنای به‌کارگیری رویکرد تاریخ فرهنگی، در پژوهش حاضر نقش دین در زندگی روزمره مردم، مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفت. براساس این رویکرد، به واکاوی و مطالعه سفرنامه‌ها، خاطرات افراد و مدارک به‌جامانده از زمان مشروطه تا دوران حاضر پرداخته شد.

یافته‌ها

۱- تثبیت مذهب تشیع در ایران

با تأسیس سلسله صفویه، مذهب تشیع به منزله مذهب رسمی ایران انتخاب شد (اشرف، ۱۳۹۵: ۱۴۴). در نتیجه، تلاش شد تا پایه‌های آگاهی تاریخی و فرهنگی ایران از سه جهت با تعلیم مذهب شیعی توجیه شود، (۱) مطلوب‌شناختن جشن‌های نوروزی در احادیث شیعی، (۲) رواج این افسانه یا واقعیت که نسبت مادری امام زین‌العابدین (ع) به یزگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی، می‌رسد. (۳) رواج حدیث «حب الوطن من الایمان» و تعمیم‌دادن آن از زادگاه مشخص (یعنی شهر یا ده) به کشور ایران (اشرف، ۱۳۹۵: ۱۴۷). گرچه در دوره سلسله افشاریه، نادر سعی نمود مذهب جعفری را به‌عنوان شاخه پنجم مذاهب اسلامی در ایران و عثمانی معرفی نماید، اما این طرح با

کشته شدن نادر ناتمام ماند و جانشینان وی به سرعت سمت مذهب شیعه روی آوردند (فوران، ۱۳۸۰:۱۳۳). بدین ترتیب بعد از صفویه، عنصر شیعی، عنصری اساسی در تعریف حاکمیت از هویت ملی گردید (عربستانی، ۱۳۹۵:۱۲۶).

۲- دوران مشروطیت و حضور اسلام در فرهنگ عامه

ریشه‌های انقلاب مشروطه به سده نوزدهم، آغاز ارتباط با غرب، نارضایتی بازاریان شهرنشین و نخبگان مذهبی و ظهور طبقه متوسط، که بعدها طبقه متوسط سنتی نام گرفت، باز می‌گردد (آبراهامیان، ۱۳۹۶:۷۴). بعد از پیروزی انقلاب مشروطه، اختلاف نظر میان روحانیون و روشنفکران غیرمذهبی درباره مفاد قانون مشروطه پدید آمد و در نهایت، در بعضی مواد قانون، بر اهمیت مذهب به‌طور کلی و روحانیون به‌طور اخص تأکید گردید، مذهب شیعه اثنی‌عشری مذهب رسمی ایران اعلام شد، فقط مسلمانان می‌توانستند وزیر کابینه شوند (آبراهامیان، ۱۳۷۸:۸۲). اما انقلاب مشروطه، نشانه جدایی میان روحانیون و روشنفکران غیرمذهبی در خصوص ارزش‌های مدرن و غرب نیز بود، علما نیز در این دوران از استقرار قانون صحبت می‌کردند اما برخلاف غرب‌گرایان ایرانی، قانون در نظر آنان تنها قرآن و اسلام بود (جهانبگلو، ۱۳۷۹:۲۱). اما گفتمان روشنفکران غیرمذهبی در عمل موفقیتی به دست نیاورد و ماهیت ضد مذهبی آن در تعارض با بنیادهای مذهبی جامعه قرار داشت و به همین دلیل از سوی عموم مردم به سرعت طرد شد (کریم‌زاده، ۱۳۸۹:۱۳۹).

توجه به باورهای مذهبی در این دوره همچنان بخش اساسی زندگی روزمره افراد را تشکیل می‌داد. عمل به فرایض دینی (نماز، روزه، شرکت در مجالس روضه‌خوانی) همواره مورد توجه ایرانیان مسلمان بوده است، آنان ادا نمودن نماز را به منزله برخورداری از زندگی سعادت‌مند در نظر می‌گرفتند (مریت، ۱۳۷۱:۱۹۲). در ماه رمضان مسجدها عموماً پر می‌شد و مردم از هر طبقه و صنف نماز ظهر و عصر را به جماعت می‌خواندند، طبقه اعیان که شب تا صبح را به قمار می‌گذارند، روزه می‌گرفتند چون در صورت روزه‌خواری حتی در خانه خود هم جایی نداشتند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۳۲۸/۱). در این دوران، مراسم مربوط به روضه‌خوانی و دسته‌گردانی ماه محرم همچنان اهمیت بسیاری داشت. هدف از شرکت در مراسم تنها کسب ثواب بود. به همین دلیل مراسم روضه‌خوانی ساده و بدون تجمل برگزار می‌شد. اما به تدریج روضه‌خوانی محفلی برای نشان‌دادن تجمل شد به طوری که اعیان و رجال مملکت روضه‌خوانی را وسیله تظاهر و تجمل قرار داده و روی دست همدیگر بلند شدند. در نتیجه کم‌کم جنبه‌های معنوی عزاداری مجالس از بین رفت و روضه‌خوانی برای اعیان وسیله دیدوبازدید و برای توده وسیله سرگرمی شد و حتی برای جلب عده بیشتر به مجلس عزاداری، شاهی سفید و پنج شاهی و ده شاهی به مردم می‌دادند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۲۷۷/۱-۲۷۵).

مردم در این دوره به تابوهای غذایی مطرح شده در گفتمان دینی توجه داشتند. گفتمان دینی شامل مقررات مربوط به تشخیص و تعیین امور پاک (مواد غذایی مقدس) از ناپاک (مواد غذایی حرام) است (زبیده و تاپر، ۱۳۹۳:۶۱). مطابق با این گفتمان اگر دانه برنجی به روی زمین بیفتد باید آن را محترمانه برداشت و به آب جاری انداخت و یا به باغی انداخت تا پرندگان بخورند چراکه بر روی هر دانه برنج کلمه قل هوالله نوشته است و از این رو نباید آن را لگدمال کرد (ماسه، ۱۳۸۷:۳۵۸). چنین باوری در مورد گیاه گندم رواج داشت، مقدس بودن گندم سبب می‌شد که بدان سوگند یاد کنند. به‌عنوان مثال؛ «سوگند به این دانه‌های گندم که نشمرده‌ام». نان که فرآورده گندم است برکت خدا به شمار می‌رود و اگر تکه نانی به زمین بیفتد باید آن را برداشت و بوسید و به شکاف دیوار گذاشت و گرنه قحطی

و گرسنگی پیش خواهد آمد، مطابق با این باور اگر کسی بخواهد خود را از تهمتی میرا کند یک تکه نان بر می‌دارد و آن را می‌اندازد و می‌گوید: «به این برکت خدا قسم» (ماسه، ۱۳۸۷: ۳۵۹).

در مورد برخی مواد غذایی ناپاک (گوشت خوک) تقید و تعهد وسواس‌آمیزی گزارش شده است. فوربز لیث، سفرنامه‌نویس، اشاره دارد که مردم یک روستا در همدان به هیچ وجه حاضر نشدند ظرفی برای پختن گوشت خوک به او امانت بدهند. به گزارش بنجامین یکبار آشپز سفارت آمریکا در ایران بدون اطلاع مستخدمان ایرانی سفارت، غذایی با گوشت خوک پخته و غذا را برای آنها حاضر کرده بود و آنان پس از صرف غذا، متوجه ماجرا شدند، کتک مفصلی به او زدند و بعد هم همگی دارویی تهوع‌آور خوردند تا غذا را کاملاً بالا بیاورند آن‌گاه حمام رفتند و غسل کردند. اما مهم‌ترین منع و تحریم دینی درباره آشامیدنی‌ها به نوشیدن شراب مربوط می‌شود که نهی آن به صراحت در متن قرآن (مائده ۹۱-۹۰) آمده است (موسی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۸-۱۷۶). با وجود این، به گزارش جکسن، برخی از ایرانیان مسلمان در عمل چندان پایبند تحریم شراب نبوده‌اند (جکسن، ۱۳۵۲: ۶۹). گفته می‌شود که نوشیدنی‌های الکلی در محیط‌های شهری و در میان تحصیل‌کرده‌های فرهیخته و محافل ثروتمند همواره جایگاه بارزی داشته است (زبیده و تاپر، ۱۳۹۳: ۶۲). اما با مروری بر ادبیات ایران و مطالعه خاطرات افراد، مواردی از رواج شراب‌خواری در اقصای پایین‌تر جامعه دیده می‌شود، به گزارش عبدالله مستوفی (۱۳۷۱: ۳۳۴/۱)، رواج استفاده از شراب نزد مردمان به حدی است که یکی از باباشمل‌های^۱ آن دوره که روزه نگاه می‌دارد به نزد ملایی در شیراز می‌رود و به وی می‌گوید: «تو که همه چیو حلال کردی پس یه قاشق آب تلخ (اوتلخورم) حلال کن مردم بخورن دعوات کنن». به گزارش پولاک (۱۳۶۱: ۴۴۷) بسیاری از شراب‌خواران ایرانی، حین نوشیدن با کمال دقت و وسواس نگران و مراقب بودند که مبادا قطره‌ای شراب به لباس یا فرش‌شان بریزد، زیرا هرچه را که به شراب آلوده می‌شد نجس می‌دانستند و باید آن را می‌شستند و تطهیر می‌کردند.

مسئله همسفره‌شدن با مسلمانان از دیگر آموزه‌های دینی است که در باورهای فرهنگ عامه رواج داشته است. گرچه امروزه، این باور کم‌رنگ شده است اما در زمان مورد بحث به‌عنوان یکی از باورهای مذهبی مد نظر بوده است و تقریباً همه سفرنامه‌نویسان و ناظران غربی که به ایران سفر نمودند به آن پرداخته‌اند (موسی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۷۳). به گزارش خانم کولویور رایس بعضی مسلمانان سخت‌گیر، استکان‌هایی را که بی‌ایمانان مورد استفاده قرار داده‌اند، می‌شکستند (رایس، ۱۳۸۳: ۴۸). پرهیز از هم‌کاسه شدن با غیرمسلمانان تنها مرتبط به سیاحان اروپایی نیست بلکه در رابطه بین مسلمانان و اقلیت‌های دینی ساکن در ایران به چشم می‌خورد. به گزارش عبدالله مستوفی (۱۳۷۱: ۴۹۹/۳) مسلمانان متعصب در حضور یهودیان ظرف‌های ایشان را آب می‌کشیدند.

تأثیر آموزه‌های دینی بر پوشش افراد اهمیت بسیاری دارد، توجه به این مقوله از این‌رو مهم است که لباس‌ها قابل دیدن هستند و بنابراین پیام‌های علنی با خود حمل می‌کنند در نتیجه لباس‌هایی که مردم می‌پوشند راهی برای ابراز هویت آنان است (بیوی، ۱۳۹۴: ۹۷). در مورد نوع پوشش به ویژه پوشش بانوان ایران در دوران بعد از اسلام تفاوتی میان اسلام رسمی و اسلام در زندگی روزمره وجود دارد، طبق اسلام رسمی و بنابر بر شریعت، زنان ملزم به پوشاندن چهره و دو دست (وجه و کفین) نبوده‌اند (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۸۱). این در حالی

۱. داش‌ها و لوطی‌های طهران قدیم پس از گذراندن چند مرحله و سربلند درآمدن از همگی این مراحل، به منصب باباشملی نائل می‌شدند. از جمله مواردی که داش‌ها و لوطی‌های طهران قدیم برای ترقی از مقام داشی به مقام باباشملی و رسیدن به عنوان باباشمل، ناگزیر از طی آن مراحل بودند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- داشتن اخلاق داش‌مآبی و داش‌بودن به معنای واقعی؛ ۲- داشتن لیاقت و کفایت و عرضه کافی برای ارتقاء مقام؛ ۳- پیش‌کسوتی و داشتن سوابق طولانی در داشی و لوطی‌گری؛ ۴- کشیدن علم به خصوص در جریان عزاداری امام حسین؛ و ۵- تبحر در عملیات ورزش باستانی و مرشدشدن در زورخانه (نجمی، ۱۳۷۳: ۱۳۶۷).

است که در قرن سیزده هجری حجاب زنان ایرانی تنها در پوشیده نگاه داشتن اندام و صورت خلاصه نمی‌شد، زنان شهری بایستی به گونه‌ای لباس می‌پوشیدند که اندازه و ابعاد واقعی بدن‌شان از زیر چادر قابل تصور نباشد و گاهی چندین لباس به ویژه چندین شلوار می‌پوشیدند که اندام آنان را از حالت واقعی و طبیعی خارج سازد، به عبارتی زن باید در هفت پرده حجاب پوشیده، در هفتاد در و دربند مستور باشد (شهری‌باف، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۵). زنانی که از این نوع پوشش تبعیت نمی‌کردند ملامت می‌شدند به‌عنوان مثال؛ همسر مأمور ایرانی که چند سال در قسطنطنیه زندگی کرده بود، پس از بازگشت به ایران، بدون روبند از خانه خارج شد. مجتهد محل وی را از این رفتار برحذر داشت و هشدار داد در صورت تکرار این رفتار مورد ضرب و شتم قرار خواهد گرفت (کولیوررایس، ۱۳۸۳: ۴۳). در مورد نوع پوشش زنان، تأکید بسیاری وجود داشت به‌صورتی که عروس خانواده جسارت این را نداشت که بی‌حجاب به حضور پدرشوهر بیاید (ماسه، ۱۳۸۷: ۱۰۲). اما سخت‌گیری‌های مرتبط با حجاب در مورد زنان ایلیاتی مطرح نبود (فوران، ۱۳۸۰: ۲۱۰).

علاوه بر مقررات سختگیرانه‌ای که در مورد حجاب زنان وجود داشت، مردان از تراشیدن ریش نهی می‌شدند. چنانکه در اواخر عصر قاجار، تراشیدن ریش گناهی بزرگ و در حکم محاربه با امام زمان تلقی می‌شد و به کسانی که ریش خود را می‌زدند کافر حربی می‌گفتند (شهری، ۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۲۶).

تلاش برای درمان بیماری با توسل به باورهای مذهبی، مقوله‌ی دیگر تأثیر آموزه‌های اسلام بر فرهنگ عامه است. بدن به‌عنوان میانجی بین تجربه فردی و جهان مادی-اجتماعی تلقی می‌شود، بنابراین بدن سالم و دستیابی به شفای بدنی نماینده سلامت فرد، تقویت مناسبات اجتماعی و بهبود شرایط مادی است، مناسک و باورها سازوکارهای بنیادی هستند که به واسطه آنها شفای بدن فیزیکی و اجتماعی به انجام می‌رسد (بوی، ۱۳۹۴: ۹۷). در همه ادیان، مناسک و باورهایی برای شفای بدن فیزیکی مطرح است، نزد ایرانیان مسلمان نیز ایمان و اعتقاد به خدا و آیات قرآن راهی برای بهبود بیماری است. مستوفی هر روز صبح جمله لاجول و لاقوه الا بالله العلی العظیم را با ایمان و اعتقاد کامل تکرار می‌کرد به اعتقاد وی این جمله انسان را از آفات و حیوانات مودنی (میکروب) دور نگاه می‌دارد و به جز این راهی برای پیشگیری از سرایت میکروب نیست (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۸۰/۱). توسل به مناسک و اذکار مقدس در میان دیگر اقلیت‌های دینی ساکن در ایران از جمله زرتشتیان رایج بوده است. خواندن اوستا، ذکر کلام مقدس از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های درمان زرتشتیان بود، زرتشتیان برای دفع چشم زخم و بیماری کودک، موبدی را فرا می‌خواندند تا از یسنا، یشتها، خرده اوستا فصولی قرائت کند. حتی اگر زنی نازا و عقیم بوده است به موبدان پول می‌دادند تا برای وی وندیداد صده را قرائت کنند که نفرین نازایی از وجود او رخت بردارد (جکسن، ۱۳۵۲: ۴۳۲).

ایرانیان مسلمان در آرزوی کار نیک، به ویژه بهبود بیماران، امام رضا (ع) را به یاری می‌خواهند (ماسه، ۱۳۸۷: ۱۸۹). باید در نظر داشت دیگر فرقه‌های موجود در ایران از جمله اهل حق به مقدسات اسلام شیعی به قرآن، پیامبر، و به دوازده امام اعتقاد دارد و مانند همه شیعیان ایران به شخصیت علی (ع) توجه دارند. به‌عنوان مثال، در هر معامله و کاری برای طلب استعانت از خداوند نام او را می‌برند (دورینگ، ۱۳۸۳: ۳۵-۲۱). این امر در میان دراویش اهل تسنن (قادری‌ها) مشهود است. آنان در ذکرهایشان به حضرت علی و امام حسین، بزرگان دین و مشایخ طریقت متوسل می‌شوند. به‌عبارتی قادری‌ها در هنگام اجرای مراسم سماع و ذکر به حال و هوای مراسم توجه دارند بنابراین هنگام حضور میهمانان فارسی زبان اشعار خود را به زبان فارسی می‌خوانند. یک دفعه به دلیل حضور درویش

نعمت‌اللهی شیعه مذهب شعری در مدح حضرت علی(ع) خواندند که در حالت عادی کمتر دیده می‌شود. حتی ممکن است در حضور شیعیان و به خاطر احترام به ایشان به طور خاص اشعاری در مدح حضرت علی(ع) بخوانند (عربستانی، ۱۳۷۹:۱۳۷).

ایرانیان مسلمان برای بهبود بیماری و شفای بیماران به نذر متوسل می‌شدند عبدالله مستوفی در خاطرات خود می‌آورد که اصغر (خدمتکار آنان) برای شفای خواهر کوچک مستوفی نذر می‌کند که روغن چراغ مسجد کوچک را از پول خود بدهد. جدا از نذری که به منظور شفا و بهبود بیماری صورت می‌گرفت، مردمان توانا همگی برای اولاد خود چیزهایی نذر می‌کردند و با نهایت وفاداری نذر خود را ادا می‌نمودند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱۶۸/۱-۲۸۵). به تدریج با تغییر شرایط زندگی و اشتغال، نشانه‌های عرفی شدن در دو طبقه اعیان و کارمندان دولت نمایان گردید. طبقه اعیان گرفتار کارهای اداری گردید و رفتن به مسجد فراموش گردید، بعد از این گروه نوبت به کارمندان دولت رسید که در ماه رمضان روزه نمی‌گرفتند و در مجالس شب‌نشینی و قمار شرکت می‌کردند. اما علیرغم نشانه‌های عرفی شدن در دو طبقه اعیان و کارمندان دولت، هنوز بی‌ایمانی به کسبه و مردم شهری به خصوص زن‌ها و همسران کارمندان دولت سرایت نکرده بود و آنان روزه می‌گرفتند، بنابراین شهر، شهر روزه‌دار به شمار می‌آمد و روزه‌خواران هم مجبور بودند حفظ ظاهر نمایند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۲۷۱/۳).

۳- دوران رضاشاه پهلوی، مذهب‌زدایی و حضور اسلام در زندگی روزمره

هرج و مرج‌های پس از مشروطه، سیاست‌های انگلستان، نگرش اقتدارگرایانه و تمرکزخواهانه روشنفکران و روزنامه‌نگاران با پشتوانه ناسیونالیسم رمانتیک، زمینه را برای ظهور رضاخان فراهم آورد (بیگدلو، ۱۳۸۰:۲۴۴). رضا شاه، دولت جدید را بر اساس ارتش و بوروکراسی بنا ساخت. همچنین به تأسیس نهادهای جدید و گسترش سلطه دولت^۱ در همه بخش‌های کشور از سیاست، اقتصاد، اجتماع، ایدئولوژی و مذهب پرداخت (آبراهامیان، ۱۳۹۶: ۱۴۱). با وجود اعمال سیاست‌ها از بالا در مورد باورهای مذهبی، همچنان باورهای مذهبی در میان عامه مردم رواج داشت. رضاشاه نیز برای القای احساس یکپارچگی و وفاداری جمعی به دولت به اقداماتی از قبیل نظام متریک، سیستم یکپارچه اوزان و واحدهای اندازه‌گیری، ساعت استاندارد برای سراسر کشور، جایگزینی تقویم شمسی به جای تقویم قمری و لباس متحدالشکل را اعمال نمود. در نتیجه قوانین مرتبط با پوشش، تمام مردان ایرانی، به استثنای روحانیونی که نام آن‌ها در دفاتر حکومتی ثبت شده بود، باید از کت و شلوارهای غربی و کلاه‌های لبه‌دار (کلاه پهلوی) استفاده می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

به گزارش بلوشر (۱۳۶۳: ۱۸۱)، رواج اولیه کلاه پهلوی بدین دلیل صورت گرفت که در هنگام اقامه نماز به سهولت می‌توان آن را چرخاند و بدون مشکلی نماز را به جا آورد. اما این امر در مورد کلاه فرنگی صدق نمی‌کند و رواج آن ممکن بود خشم روحانیون را در پی داشته باشد. قوانین پوشش متحدالشکل در مورد زنان به شکل کشف حجاب نمایان شد (آبراهامیان، ۱۳۹۶: ۱۵۷). اما به دلیل باورهای مذهبی، زنان به سختی توان پذیرش آن را داشتند. هلمز درباره اعتقاد عمیق زنان به حجاب به خاطرات معلم زبان فارسی خود اشاره می‌کند: «پدر معلم زبان فارسی من وکیل مجلس بود، طبق دستور رضا شاه تا بازگشایی مجلس هیچ یک اعضای دولت حق ندارند همسر خود را در چادر نگاه دارند و روز موعود که فرا رسید همسر وکیل مجلس به هیچ وجه قادر نبود بدون چادر از درگاه خانه قدم بیرون بگذارد و در نهایت همسر ایشان راضی به رفتن نشد» (هلمز، ۱۳۷۰: ۱۳۶). برنامه یکسان‌سازی رضا شاه در سطحی محدود یعنی در میان

^۱ هدف رضا شاه تسلط دولت برای تبلیغ و ترویج اسلام بود تا تضعیف مذهب با اندیشه‌های سکولار (آبراهامیان، ۱۳۹۶: ۱۵۹).

برخی از گروه‌های نوگرای شهری پیش رفت و در میان بخش‌ها و لایه‌های مذهبی‌تر شهر، خرده‌فرهنگ‌ها و مناطق حاشیه‌ای و روستایی با مقاومت‌هایی مواجه گردید (دلوری، ۱۳۸۳: ۲۷۵).

تأثیر آموزه‌های دینی را در عادات غذایی مردم ایران در این دوره می‌توان مشاهده نمود، غذاهای پاک (برنج، گندم، خرما) و ناپاک (گوشت خوک) هم‌چنان مورد توجه مردم بود (ماسه، ۱۳۸۷: ۳۵۹-۳۵۸). در ایران مانند بسیاری از جوامع، خوردن و سلام و علیک با دست راست رواج دارد و دست چپ چون با عمل دفع همبستگی دارد، ناپاکی را نمادینه می‌کند (بوی، ۱۳۹۴: ۵۰). با توجه به این عقیده از آداب غذا خوردن در ایران این است که با سه انگشت نخستین دست راست غذا می‌خورند، حتی دست چپ را از نظر پنهان می‌دارند به طوری که ایرانی‌ها معمولاً دست را چلیپاوار روی شکم می‌گذارند در حالی که دست راست آنها دست چپ را پوشانده است (بلوشر، ۱۳۶۳: ۸۳).

۴- دوران محمدرضا شاه پهلوی، سیاست‌های نوگرایانه و حضور اسلام در زندگی روزمره

با رفتن رضا شاه، جوّ ضددینی از بین رفت. تبعیدیان مذهبی به کشور بازگشتند، قانون فروش موقوفه‌ها لغو گردید، زنان ایرانی بار دیگر به حجاب روی آوردند (کاتم، ۱۳۸۳: ۱۸۳). با گذشت زمان و به ویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضا شاه در سیاست‌های خود به ایدئولوژی باستان‌گرایی روی آورد. این سیاست‌های باستان‌گرایی در سال‌های دهه ۱۳۵۰ شمسی به اوج رسید که مثال بارز آن اعلام تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد ساله است، اما ناسیونالیست‌های این دوره توجه نداشتند که انکار اسلام، انکار چهارده قرن تمدن و تفکر ایرانی است.

ایران، اسلام را پذیرفت، به آل محمد عشق ورزید و در تکمیل و تلطیف فرهنگ اسلامی از تمام امکانات نبوغ قومی خود مدد گرفت، قواعد زبان عربی را پی‌ریزی کرد، بهترین تفسیرهای عرفانی را بر قرآن نوشت، فره ایزدی ایمان خود را همچون هاله‌ای فروزان گرد سر ائمه اطهار بست، عشق به آخرت و معاد را که یکی از معتقدات شاخص روح ایرانی بود، در رستاخیز دوباره مهدی موعود بازیافت (شایگان، ۱۳۷۸: ۱۸۹). بنابراین سیاست مذهب‌زدایی این دوره تأثیر چندانی در غیردینی کردن و افول باورهای اعتقادی مردم نداشت چراکه دنیانگری از بالا تحمیل شد و تنها در سطح سیستم خود را نشان داد (وریج کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۵۳-۲۵۲). در این دوره هم‌چنان خوردن گوشت خوک حرام است حتی اگر از گرسنگی در حال مرگ باشید، در کافه‌ها و به خصوص در بازار که مؤمنین پایبند فراوانند، از خارجی‌ها در ظروف جداگانه‌ای پذیرایی می‌کنند (هلمز، ۱۳۷۰: ۱۵۷).

در راستای اقدامات ضد مذهبی، رژیم پهلوی، نظام آموزشی را به گونه‌ای پی ریخت که سکولاریزم، ناسیونالیسم و شکوه و عظمت شاهنشاهی ایران برای دانش‌آموزان القا شود (فوران، ۱۳۸۰: ۳۳۹). در این شیوه آموزش، به اسلام به‌عنوان یک دین بیگانه که به وسیله اقوام خارجی بر ایران تحمیل شده، نگاه می‌شد (بیگدلو، ۱۳۸۰: ۲۷۴). در نتیجه عدم تعادلی میان دو عنصر ملیت و دین به وجود آمد که واکنش نیروهای اجتماعی در سطح اجتماع و نخبگان را به همراه داشت و باعث شد تا تلاش برخی از روشنفکران ایرانی به‌ویژه علی شریعتی جهت احیا عنصر معنوی و دینی هویت ایرانی با استقبال مواجه گردد (احمدی، ۱۳۸۳: ۸۲). بنابراین، در اواخر دهه پنجاه (هفتاد میلادی) زنان که در کنار مردان به دانشگاه می‌رفتند، به تدریج خود را پوشاندند و در کلاس‌ها جدا از مردان قرار گرفتند، نمی‌خواستند

دوستان‌شان تصور کنند که به تحریک مردان جوان می‌پردازند. در این مورد دختر جوان دانشجویی که دوباره به حجاب روی آورده معتقد است که پیش از این بر طبق مذهبش رفتار نمی‌کرده است. به نظر وی با رفتار سابق خود برادرانش را به لامذهبی تشویق نموده است (هلمز، ۱۳۷۰:۱۴۷). بنابراین آموزش و پرورش عرفی نظام پهلوی در برابر فرآیند اجتماعی کردن در زیست-جهان شکست خورد (وریج کاظمی، ۱۳۸۲:۲۵۵).

۵- پیروزی انقلاب اسلامی و دینی شدن جامعه

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و برپایی حکومت اسلامی، تلاش شد تا با تسلط بر زیست جهان، حکومت مستقیماً در فرآیند دینی کردن جامعه نقش داشته باشد. از این رو به همراه دینی کردن ادارات، وزراتخانه‌ها و قوانین به دینی کردن جامعه پرداختند. بدین ترتیب حجاب اجباری شد و حتی شکل پوشش و رنگ لباس‌ها نیز تعیین گردید (کاظمی، ۱۳۸۲:۲۵۶). بنابراین در دوره بعد از انقلاب، پوشش مناسب برای زنان شامل چادر یا روسری و مانتو است. رنگ غالب، مشکی است و رنگ‌های آبی تیره، قهوه‌ای و یا سبز مورد استفاده واقع می‌شود. در این دوره تغییراتی در ظاهر و پوشش مردان به وجود آمد. ریش و سبیل برای مردان مطلوب شد و کراوات به‌عنوان سمبل غیراسلامی و غیرایرانی شناخته شد و بستن آن به گردن ممنوع گردید (وگت، ۱۳۷۷:۱۰۶-۱۰۲).

در پی سیاست‌های مذهبی جمهوری اسلامی طی دهه اول انقلاب به خانم‌های چادری احترام گذاشته می‌شد (رفیع‌پور، ۱۳۸۴:۱۶۷-۱۶۶). به تدریج قلمروهای دینی مانند مساجد، حوزه علمیه و... تحت تسلط قدرت قرار گرفتند، در نتیجه تسلط حکومت بر نهادهای دین، به همراه نقد و مورد تردید قرار گرفتن دین، فرآیند عرفی شدن تسریع گردید (وریج کاظمی، ۱۳۸۲:۲۵۶). تحقیقات انجام شده در این دوره نشان می‌دهد که فعالیت و کنش‌های مذهبی در حوزه عمومی بسیار کم شده است و این فرآیند در حوزه عمومی بیش از حوزه خصوصی دینداران مشهود است (سراجزاده، ۱۳۷۷).

با گذشت یک دهه از انقلاب و در سال‌های دهه ۷۰، احترام به خانم‌های چادری کاهش یافت و گاهی که اشخاصی با ریش و قیافه حزب‌اللهی و یا چادر به فروشگاه‌های مراجعه می‌کردند، فروشندگان عکس‌العمل‌های پرخاشگرانه نشان می‌دادند «نخیر نداریم» یا «آقا یاالله استخاره نکن» (رفیع‌پور، ۱۳۸۴:۱۶۷-۱۶۶). از دیگر سو، به مرور تمایل برخی از افراد به این نوع پوشش کم‌رنگ شد و آنان با نشان دادن موهای بالای پیشانی از زیر روسری به دنبال آزادی بودند. به عبارتی طرز لباس پوشیدن زنان خیابان‌های تهران، بیانگر مقاومت آنان در برابر برخی از سیاست‌های عمومی است (وگت، ۱۳۷۷:۱۰۲).

مطالعات سراجزاده (۱۳۷۷) نشان می‌دهد در دوران بعد از انقلاب، کنش‌های مذهبی در عرصه عمومی کم‌رنگ شده است اما در عرصه خصوصی همچنان باورهای دینی در مورد تغذیه و توسل به ائمه و نذر برای شفای بیماری مطرح است. به‌عنوان مثال، سونبای آلمانی که به همراه همسر فلسطینی خود در دوره بعد از انقلاب در ایران زندگی می‌کند، به این نکته اشاره دارد که همسایگان ایرانی‌اش به وی متذکر می‌شدند که زن باردار نباید از غذاها و نوشیدنی‌های ناپاک استفاده کند، زیرا هر دوی آنها به موجودی که در حال شکل‌گیری است، لطمه می‌زند (لاندرگراف، ۱۳۷۶:۷۰). خانم وگت در سفر خود به ایران طی گفتگو با دوستش متوجه می‌گردد، پدر وی به بیماری مهلک و کشنده‌ای مبتلا است، در نتیجه برای کسب بهبودی و سلامت به مشهد سفر می‌کند و بعد از مدتی پدر دوستش به سلامتی کامل دست می‌یابد و به تهران باز می‌گردد. به نظر وی به همین مناسبت در یکی از صحن‌های بزرگ، پنجره‌ای بلندتر از قد انسان و رو به روی قبر امام رضا (ع) وجود دارد که در کنار آن، افراد رو به احتضار و بیماران لاعلاج می‌نشینند. آنان هر روز به امید شفا

به اینجا آورده می‌شوند و ریسمان بلندی بین آنان و پنجره بسته می‌شود، این ریسمان نمادی از ریسمان الهی است که در بسیاری از آیات قرآن از آن یاد شده است (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) که مؤمنین را به خداوند پیوند می‌زند (وگت، ۱۳۷۷: ۷۷-۷۶).

نتیجه‌گیری

در جامعه ایران دین به‌عنوان دستورالعمل زندگی روزمره مورد پذیرش مردم بوده است، تا جایی که اعتقادات مذهبی مردم در مورد تماس بی‌دینان با تنباکو، زمینه جنبش تنباکو را فراهم آورد (فوران، ۱۳۸۰: ۲۵۵-۲۵۲). به منظور مطالعه و بررسی اسلام در زندگی روزمره، چهار مؤلفه اجرای مناسک، اعتقادات دینی در زمینه خوراک، پوشاک و درمان در سه دوره مشروطه، پهلوی و جمهوری اسلامی بررسی گردید. با وقوع انقلاب مشروطه و پیروزی مشروطه‌خواهان، اندیشه‌های روشنفکری به جامعه وارد گردید که گاهی در ضدیت با فرهنگ اسلامی بود اما این اندیشه‌ها تأثیر چندانی در افول اعتقادات دینی مردم نداشت. همان‌طور که در مقاله ذکر شد در این دوران مردم همچنان پایبند به اجرای مناسک مذهبی هستند. همچنین می‌توان حضور دین را در انتخاب پوشاک، خوراک و درمان افراد مشاهده نمود. وجه مشخصه دوران پهلوی در مقاطع آغازین تأسیس سلسله پهلوی به منظور شکل‌گیری دولت-ملت متحد و بعد از سال‌های ۱۳۴۲ شمسی تبلیغات باستان‌گرایی و تلاش برای عرفی‌نمودن جامعه بود. اما این عرفی‌شدن تنها در سطح سیستم رخ داد. در نتیجه در زندگی روزمره روابط اجتماعی مبتنی بر دینداری نه تنها تقلیل نیافت بلکه افزایش یافت.

دوران بعد از انقلاب، دولت سعی در دینی‌کردن جامعه داشت بنابراین نهادهای دینی تحت قدرت حاکمیت قرار گرفتند. در نتیجه دخالت دولت در زیست-جهان دینی مردم و مبنایی که کنش‌های مذهبی به واسطه آن تفسیر و تعبیر می‌شدند متزلزل می‌گردد و جامعه با کاهش سطح دینداری و عرفی‌شدن زندگی روزمره (به معنای فاصله‌گیری مردم از برخی احکام و اعتقادات دینی) مواجه می‌گردد (وریج کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۵۹-۲۵۵). اما در جامعه ایران شخصیت‌های مذهبی (ائمه اطهار) همچنان برای مردم ارزشمند است و افراد به مقدسات احترام می‌گذارند. حضور گسترده مردم در مراسم عزاداری ماه محرم، پیاده‌روی اربعین، جشن‌های مذهبی، تمایل به زیارت بقاع متبرکه نشانه‌هایی از اهمیت احترام به دین در زندگی روزمره و حیات مردم است. بنابراین می‌توان گفت دین برای غالب افراد از اهمیت بالایی برخوردار است.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۳). *ایران: هویت، ملیت، قومیت*. تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵). *دو مقاله از گرادو نیولی و شاپور شهبازی. هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*. (ترجمه و تدوین حمید احمدی). چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- انسان‌شناسی تاریخی، تاریخ فرهنگی، تاریخ دسترس: ۱۴/۰۶/۱۴۰۱، <https://anthropologyandculture.com>
- آبراهامیان. یرواند (۱۳۷۸). *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری، دکتر محسن مدیرشانه‌چی). چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۶). **تاریخ ایران مدرن**. (ترجمه محمدابراهیم فتاحی). تهران: نشر نی.
- برک، پیتر (۱۳۹۰). **تاریخ فرهنگی**. (ترجمه نعمت‌الله فاضلی)، مرتضی قلیچ. تهران: نشر پژوهشکده تاریخ اسلام
- بلوشر، ویرت فون (۱۳۶۳). **سفرنامه بلوشر (گردش روزگار در ایران)**. (ترجمه کیکاوس جهاننداری). چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشارت خوارزمی.
- بوی، فیونا (۱۳۹۴). **مقدمه‌ای بر انسان‌شناسی دین**. (ترجمه مهرداد عربستانی). چاپ دوم. تهران: نشر افکار.
- بیگدلو، رضا (۱۳۸۰). **باستان‌گرایی در تاریخ معاصر ایران**. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). **سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان**. (ترجمه کیکاوس جهاننداری). چاپ اول. تهران: سهامی انتشارت خوارزمی.
- جکسن، ابراهیم و. ویلیامز (۱۳۵۲). **سفرنامه جکسن: ایران در گذشته و حال**. (ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای). چاپ اول. تهران: سهامی انتشارت خوارزمی.
- جهانگیرلو، رامین (۱۳۷۹). **ایران و مدرنیته گفتگوهای با پژوهشگران ایرانی و خارجی در زمینه رویارویی ایران با دستاوردهای جهان مدرن**. ترجمه گفتگوهای فرانسوی حسین سامعی. چاپ اول. تهران: نشر گفتار.
- دلآوری، ابوالفضل (۱۳۸۳). **شهر، هویت و سیاست در ایران معاصر. مجموعه مقالات هویت، ملیت، قومیت**. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- دورینگ، ژان (۱۳۸۳). **موسیقی و عرفان (سنت اهل حق)**. (ترجمه سودابه فضالی). آبادان: نشر پرسش. چاپ دوم.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). **توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل مسائل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**. چاپ ششم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زبیده، سامی. تاپر، ریچارد (۱۳۹۳). **ما همانی هستیم که می‌خوریم: فرهنگ‌های آشپزی در خاورمیانه**. (ترجمه معصومه ابراهیمی). چاپ اول. تهران: فرهامه.
- سراجزاده، سیدحسین (۱۳۷۷). «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی». **نمایه پژوهش**. سال دوم، شماره ۷ و ۸.
- شایگان، داریوش (۱۳۷۸). **آسیا در برابر غرب**. چاپ سوم. تهران: نشر امیرکبیر.
- شهری (شعری‌باف)، جعفر (۱۳۶۹). **تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی و کسب و کار**. چاپ دوم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا. جلد چهارم.
- شهری (شعری‌باف)، جعفر (۱۳۸۱). **طهران قدیم**. چاپ سوم. تهران: نشر معین. جلد دوم.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۷۹). «شکل‌گرایی و بی‌شکلی در دین‌ورزی: پژوهشی در درویش‌قادری استان کرمانشاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۸۷). **تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران**. چاپ دوم. تهران: نشر افکار.

- عریستانی، مهرداد (۱۳۹۵). «هویت ملی و عرق ملی: لزوم نقد مکرر» در مجموعه **جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فوران، جان (۱۳۸۰). **مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی**. (ترجمه احمد تدین). چاپ سوم. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتم، ریچارد (۱۳۸۳). **ناسیونالیسم در ایران**. (ترجمه احمد تدین). چاپ سوم. تهران: کویر.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۰). **ایران، جامعه کوتاه مدت و سه مقاله دیگر**. (ترجمه عبدالله کوثری). چاپ سوم. تهران: نشرنی.
- کریم‌زاده، محمد (۱۳۸۹). «علل و عوامل شکل‌گیری گفتمان ناسیونالیسم در ایران (۱۳۲۰-۱۲۸۰)»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم سیاسی: دانشگاه تهران.
- کولویور رایس، کلارا (۱۳۸۳). **زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان**. (ترجمه اسدالله آزاد). چاپ اول. تهران: نشر کتابدار.
- لاندرگراف، سونیا (۱۳۷۶). **عشق در نگاه دوم**. (ترجمه علی جوادی). چاپ اول. تهران: نشر آباء.
- ماسه، هنری (۱۳۸۷). **معتقدات و آداب ایرانی از عصر صفویه تا دوره پهلوی**. (ترجمه مهدی روشن ضمیر). چاپ اول. تهران: نشر شفیع.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). **شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**. چاپ سوم. تهران: نشر زوار. جلد اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶). **مسئله حجاب**. تهران: نشر صدرا.
- مک‌کی، ساندار (۱۳۸۰). **ایرانی‌ها: ایران، اسلام و روح یک ملت**. (ترجمه شیوا رویگردان). چاپ اول. تهران: ققنوس.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۹۵). **دین زیسته و زندگی روزانه: پژوهشی در فرهنگ دینی مردم ایران از آغاز عصر صفوی تا پایان دوره قاجاری**. چاپ اول. تهران: نشر پژوهشکده تاریخ اسلام.
- نجمی، ناصر (۱۳۶۷). **دارالخلافت طهران**. تهران: انتشارات عطار.
- نجمی، ناصر (۱۳۷۳). **تهران در گذر زمان**، تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- وریج کاظمی، عباس؛ فرجی، مهدی (۱۳۸۲). «عرفی‌شدن و زندگی روزمره». **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۱. صص ۲۶۹-۲۴۳.
- وگت، کاری (۱۳۷۷). **سفر به ایران**. (ترجمه وحید صابری مقدم). چاپ اول. تهران: نشر کمیل.
- هاکس، مریت (۱۳۷۱). **ایران: افسانه و واقعیت، خاطرات سفر به ایران**. (ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، محمدتقی اکبری، احمد نمایی). چاپ دوم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- هلمز، سینتیا (۱۳۷۰). **خاطرات همسر سفیر**. (ترجمه اسماعیل زند). چاپ اول. تهران: نشر البرز.
- Fischer, M. & Munson, H. (1988). *Islam and Revolution in the Middle East*. New Haven and London: Yale University Press.